

پیش بینی تعارضات زناشویی از طریق عدالت جنسیتی

مهیار پویا مهر^۱

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش بینی تعارضات زناشویی از طریق عدالت جنسیتی بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر شیراز بود. نمونه آماری نیز از آن بین جامعه آماری و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی در دسترس حجم نمونه انتخاب شد. افراد نمونه از طریق پرسشنامه تعارضات زناشویی براتی و ثنایی (۱۳۷۵) و پرسشنامه عدالت جنسیتی عسگری ندوشن (۱۳۹۵) مورد سنجش قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده در دو سطح مورد تجزیه و تحلیل (آمار استنباطی) قرار گرفت. از شاخص های امار توصیفی میانگین و انحراف معیار و از روش های آمار استنباطی، تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج حاصل گویای آن است که تعارضات زناشویی قادر به پیش بینی عدالت جنسیتی می باشد.

واژه‌های کلیدی: تعارضات زناشویی، عدالت جنسیتی.

مقدمه

خانواده کوچکترین جزء اجتماع است. خانواده، یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن، بخصوص روابط والدین با فرزندان، مهمترین عنصر شکل دهنده این سازمان است. رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد مرهون ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان میباشد. تحلیلهای نظری و تجربی بسیاری به ارتباط مؤثر والدین با فرزندان اختصاص یافته است و برای آن اهمیت و ارزش خاصی قائل شده‌اند. اجتماعی که از خانواده‌های سالم تشکیل شده باشد، مسلماً اجتماعی سالم است و شرط آنکه خانواده‌ای سالم باشد این است که افراد سالم باشند. لذا برای بهبود وضع اجتماع، تلاش برای بهبود وضع خانواده و افراد آن مهمترین مسئله است

برخی از این تحولات بر تعارضات بین زوجین اثرگذار است. تعارض زناشویی ناشی از ناهمگنی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. سوهو (۲۰۰۸) معتقد است تعارضات زناشویی معمولاً از دو منبع ناشی می‌شود: اول هدم تعادل ساختار خانواده و دیگر، عدم پایبندی هر یک از زوجین به هنجارها و ارزش‌های خانواده و تخلف از آنها. تعارضات زناشویی به دلیل اختلاف نظر، اصل تفاوت‌های فردی و چالش‌های درونی و بیرونی در طی فرایند زندگی زناشویی امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است (آرمان پناه، سجادیان و نامی، ۱۳۹۹). وجود اختلافات و تعارضات زناشویی باعث می‌شود زوجین مشکلاتی همچون خصومت زناشویی، افسردگی بالا و عزت نفس پایین فرزندان، پایین بودن امنیت هیجانی فرزندان آنها، نشانگان افسردگی و شادکامی پایین در فرزندان دست یابند (جو و بوهلر، ۲۰۱۹).

تعارضات زناشویی یکی از اصلی‌ترین عوامل تهدیدکننده سلامت خانواده و تنش و کج رفتاری در آن است (تاسو و گناهون، ۲۰۲۱). اساساً خانواده بدون مشکل و تعارض وجود ندارد، اما شدت و ضعف این مشکلات با هم متفاوتند. تعارض به معنای اختلاف و عدم توافق یکی از دشوارترین مسائل هر نوع ارتباط است. مهم‌ترین وظیفه یک زوج این است که بتوانند به طور سودمندی عواطف و هیجانات منفی خود مثل خشم، تنفر، عدم اعتماد، ترس، غم و اندوه که در زمان بروز اختلاف در روابط شان ایجاد می‌شوند، را اداره کنند (مقیم، اسدی، جوانشیر، خواجهوند خوشلی، ۱۴۰۱). تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید (نیکوگفتار، ۱۴۰۰). تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه‌های بی‌شماری را برای تعارض فراهم می‌کند (بهراری، فاتحی زاده، احمدی، مولوی و بهرامی، ۱۳۹۰).

برخی بر این باورند تعارضات درون خانواده از ساختارهای کلان جامعه مانند عدم عدالت جنسیتی و نابرابری جنسیتی نیز متأثر می‌شود (فورسبرگ و اولسون، ۲۰۲۱). با وجود دغدغه‌مندی دیرینه بشر برای تحقق عدالت و صدور اعلامیه‌های ملی و بین‌المللی از سوی اندیشمندان، به سبب نگاه غیر واقعی و جنسیتی موجود و حاکم در طول دوران‌های تاریخی به نیمی از جمعیت جهان زمینه‌تعدی به حقوق انسانی و جنسیتی زنان فراهم شد. از جمله خشونت در خانواده، درآمد اندک در قبال کار مساوی با مردان، تجاوز به زنان در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه، قاچاق زنان که با هدف سوء استفاده و به کارگیری اجباری به میزان گسترده‌ای در جریان است، همه نشان‌دهنده شیوه رفتاری مغایر با کرامت انسانی زن در حریم خصوصی و عمومی است. چنان که زنان در سال ۲۰۲۰ مالک ۳۲ درصد ثروت جهان هستند و هر زن برای دریافت دستمزد برابر باید حداقل

۱ Zhou & Buehler

۲ Tasew & Getahun

۳ Forsberg & Olsson

سالانه ۸۰ روز بیش تر کار کند، با تمام تبلیغات گسترده ای که در خصوص برابری تصدی گری پست های سیاسی در کشورهای جهان می شود زنان، تنها ۲۵ درصد کرسی های پارلمان در دنیا را در اختیار دارند، و سهم زنان در پست های وزارتی در جهان ۲۱ درصد است. زنان ۴۳ درصد نیروی کار کشاورزی جهان را تشکیل می دهند اما مالک ۲۰ درصد زمین های کشاورزی دنیا هستند (سین، ۲۰۱۷۴).

در بسیاری از فرهنگ ها به روابط زناشویی به منزله منبع اولیه حمایت و عاطفه نگریسته می شود و از همسران انتظار می رود تا یک رابطه انحصاری، صداقت، علاقه، عاطفه و نیز صمیمیت و حمایت از خود نشان دهند، تقریباً تمامی زوج ها در ابتدای زندگی زناشویی سطح بالایی از رضایت را گزارش می کنند. اما این رضایت در خلال زمان کاهش می یابد و به تعارض متمایل می شود (ازخوش و عسکری، ۱۳۹۶).

تعارض زناشویی ناشی از ناهمگنی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته ها، طرحواره های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. سوهو (۲۰۰۸) معتقد است تعارضات زناشویی معمولاً از دو منبع ناشی می شود: اول هدم تعادل ساختار خانواده و دیگر، عدم پایبندی هر یک از زوجین به هنجارها و ارزش های خانواده و تخلف از آنها. تعارضات زناشویی به دلیل اختلاف نظر، اصل تفاوت های فردی و چالش های درونی و بیرونی در طی فرایند زندگی زناشویی امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است (آرمان پناه، سجادیان و نامی، ۱۳۹۹). وجود اختلافات و تعارضات زناشویی باعث می شود زوجین مشکلاتی همچون خصومت زناشویی، افسردگی بالا و عزت نفس پایین فرزندان، پایین بودن امنیت هیجانی فرزندان آنها، نشانگان افسردگی و شادکامی پایین در فرزندان دست یابند (جو و بوهرلر، ۲۰۱۹)؛ از این بررسی میزان تعارضات بین زوجین از اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

برخی از مطالعات انجام شده در رابطه با موضوع مورد پژوهش به این صورت می باشد:

میرخانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تحلیل عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده نشان می دهد. مساله عدالت جنسیتی، اگرچه در نهادهای حقوقی و اجتماعی موضوعی وارداتی قلمداد می گردد و در عرصه تئوریک کرارا مورد توجه قرار گرفته است، لیکن در عرصه های عملی سازی آن، به سبب اختلاط در فرهنگ ها و عدم پالایش مبانی آن، با چالش هایی روبرو بوده که نیازمند تبیینی درست در عرصه گرایش ها و نگرش های متکی بر فرهنگ بومی و اسلامی است. به ویژه آن که استحکام نهاد خانواده از اساسی ترین اهداف قانون گذار اسلامی است. در منش توحیدی، زوجیت، وحدت برخاسته از جذب و انجذابی حکیمانه است که تحقق عدالت در عین قوام یابی اصول ارزشی دیگری چون: کرامت انسانی، امنیت و سکونت، مودت و رحمت، احسان و مروت صورت می پذیرد. هدف از نگارش این مقاله، تبیین جایگاه محوری اصل عدالت در نظام قانون گذاری اسلامی و تاثیر آن بر عدالت جنسیتی در روابط انسانی اعضا خانواده است که مستلزم بیان تفاوت های بنیادین میان دو نظام فکری، خدا محور و انسان محور می باشد. به نظر می رسد عدالت جنسیتی از حکیمانه ترین مختصات نظام قانون گذاری اسلام است که برخاسته از تناسب و تفاوت های معنادار در نظام خلقت و قانون شریعت است و در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده از دقایق و لطایفی برخوردار است که در آن، اصل عدالت با تمامی ارزش های انسانی درآمیخته و چتری از تسهیل، تکریم، تنظیم و تعدیل را در سایه اندیشه توحیدی فراهم ساخته و تضمین کننده مقاصد و اصول و قواعد شرعی است.

۴ Cin

۵ Zhou & Buehler

کیهان و صابر (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس باورهای جنسیتی و سبک‌های تفکر زنان متأهل شهر تهران به این نتیجه می‌رسند که نتایج نشان داد که رضایت زناشویی دارای همبستگی مثبت معناداری با باور جنسیتی مردانه بود. رضایت زناشویی دارای همبستگی معناداری با باورهای جنسیتی زنانه و دو جنسیتی نبود. همچنین سبک تفکر آزاد اندیش دارای همبستگی مثبت معناداری با رضایت زناشویی بودند. سبک تفکر قانونگذار، اجرایی، سبک تفکر قضایی کل‌گرا و جزء‌گرا هیچ ارتباط معناداری با رضایت زناشویی نداشت.

قاسمی و جمالو (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی عدالت جنسیتی و تأثیر آن بر اشتغال زنان به این نتیجه می‌رسند که عدم رعایت عدالت جنسیتی و نابرابری‌های جنسیتی بر اشتغال زنان مانند حقوق و دستمزد اثرگذار بوده و عدم توجه به زنان مادر شاغل تعاضاتی را در خانواده‌ها فراهم نموده است.

قره‌باغی و، آگیلار- وفایی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی نقش تعارض زناشویی و ایمنی هیجانی خانواده در سلامت جسمانی و روانی- اجتماعی کودک پرداخته‌اند. نتایج گویای رابطه معکوس تعارض زناشویی و نایمنی هیجانی با سلامت جسمانی و روانی- اجتماعی کودک و همچنین نقش پیش‌بینی‌کننده (به‌صورت معکوس) تعارض زناشویی در ایمنی هیجانی کودک بود.

فورسبرگ و اولسون^۶ (۲۰۲۱) در بررسی نابرابری‌های جنسیتی و درگیری زوجین بر این باورند که نتایج ما نشان می‌دهد که حمایت از وضعیت زنان برای درک ظرفیت جامعه برای رسیدگی به تعارضات بدون خشونت مهم است. از جنبه منفی، تحولات اجتماعی- اقتصادی جنسیتی که منجر به حمایت افراطی و نابرابر مردان می‌شود، شرایط مساعدی را برای خشونت خانگی، به ویژه در مناطق شهری ایجاد می‌کند. یک یافته شگفت‌انگیزتر این است که به نظر نمی‌رسد هنجار نابرابری جنسیتی، به خودی خود، تأثیر قوی بر خطر سلامت خانواده داشته باشد. این بدان معنا نیست که می‌توانیم توضیح را نادیده بگیریم، اما تأکید می‌کند که ممکن است مشکلات ذاتی با این استدلال رایج وجود داشته باشد و نابرابری جنسیتی از طریق افزایش تعارضات، سلامت خانواده را کاهش دهد.

ضرورت ایجاد فرصت کمی و کیفی برای توانمندسازی زنان ایجاب می‌کند تا مقوله عدالت جنسیتی معناکاو و تبیین شود. و هر چه بیش‌تر راه برای اجرا و عملیاتی شدن آن هموار شود. پرداختن ماده ۱۰۱ برنامه ششم توسعه کلیه دستگاه‌های اجرایی را ملزم می‌کند تا براساس اصول دهم، بیستم و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی برنامه ششم و سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازمان آنان نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها اقدام کنند. اهمیت اجرای این قوانین، توجه به این مسئله را دو چندان می‌کند (لشگریان، ۱۳۹۸).

منش رفتاری جوامع با زنان غالباً برخاسته از نوعی توهین و تحقیر، تحمیل و تهدید، نا امنی و اضطراب بوده است. وقایع تلخ تاریخ که قرآن کریم آن را بیان می‌کند (۵۸ نحل و ۹ و ۸ تکویر)، گواه مصادیق بی‌عدالتی جنسیتی در طول تاریخ بشر علیه زنان است. گزاره‌های وحیانی نشان می‌دهد که زنان از ابتدایی‌ترین حقوق چون حق حیات و امنیت و به دنبال آن از بسیاری حقوق مادی و معنوی مانند: حق سلامت و حق آموزش و معرفت، حق دیانت و عبودیت، حق معامله و اشتغال، حق

^۶ Forsberg & Olsson

مالکیت وارث، حق انتخاب همسر و حضانت، حق اقامه دعوی و شهادت و ... محروم گردیده اند. براین اساس مسئله عدالت جنسیتی با ظلم و بی عدالتی به پهنای تاریخ بشر مواجه است (لشگریان، ۱۳۹۸).

با توجه به این مقدمه از آنجا که بی عدالتی جنسیتی به تعارض هایی بین زوجین منجر می گردد و تعارضات زناشویی نیز به نوبه ی خود سلامت خانواده را با بحران مواجه می سازد؛ لذا مسئله اصلی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی بدان است اینگونه استنباط خواهد شد که آیا تعارضات زناشویی در رابطه عدالت جنسیتی با سلامت خانواده نقش واسطه ای ایفا می نماید؟

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربری و از لحاظ روش از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر شیراز در سال ۱۴۰۲، بود که تعداد ۱۷۰ نفر به عنوان نمونه آماری و به شیوه تصادفی در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ی تعارضات زناشویی براتی و ثنایی (۱۳۷۵) و پرسشنامه عدالت جنسیتی عسگری ندوشن (۱۳۹۵) استفاده شد که پایایی پرسشنامه تعارضات زناشویی ۰/۸۹، و پرسشنامه عدالت جنسیتی ۰/۷۹ بدست آمده است. اطلاعات با استفاده از روش آماری تحلیل رگرسیون تحلیل شد.

یافته ها

فرضیه: عدالت جنسیتی به طور معناداری قادر به پیش بینی تعارضات زناشویی می باشد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون ساده استفاده شد و نتایج در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱- نتایج تحلیل رگرسیون تعارضات زناشویی بر حسب عدالت جنسیتی									
متغیر ملاک	متغیر پیش بین	بتا	t	p	R	R2	F	df	p
تعارضات زناشویی	عدالت جنسیتی	۰/۴۱۹	-۴/۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱۹	۰/۱۷	۲۲/۶	۱ و ۱۶۷	۰/۰۰۰۱

از نتایج آزمون تحلیل واریانس جدول ۱ [$F(1, 167) = 22/6, p < 0/001$] می توان استنباط کرد که بین متغیر پیش بین (عدالت جنسیتی) و متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) رابطه خطی معنی دار وجود دارد و عدالت جنسیتی زنان قادر به پیش بینی معکوس تعارضات زناشویی آن ها می باشد. مجذور ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۱۷ است، این بدان معنی است که ۱۷ درصد واریانس تعارضات زناشویی توسط عدالت جنسیتی آن ها قابل پیش بینی است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه: عدالت جنسیتی قادر به پیش بینی تعارضات زناشویی است.

این یافته ی پژوهشی با نتایج حاصل از تحقیق سراتو و سیفر (۲۰۱۸)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲) و میرخانی (۱۳۹۲) در یک راستا قرار می گیرد.

در توجیه این فرضیه می توان بیان داشت عدالت جنسیتی به معنای تساوی حقوق و توانمندی های زنان و مردان است و برای حل مسائل زناشویی، این مفهوم می تواند بسیار مؤثر باشد. به طور کلی، تعارضات زناشویی ممکن است به دلیل عدم توجه به نیازهای همسران، تفاوت های فرهنگی، بیش از حد مطالبات، قدرت ناراحت کننده، اعتماد ناکافی و پایین بودن سطح

توانایی های ارتباطی و امثال آن رخ می دهد. اگر عدالت جنسیتی در خانواده فرهنگی شده باشد و تضمین شود که هر دو همسر حقوق و توانایی های برابر داشته باشند، احتمال بروز تعارضات کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین، به افزایش همکاری و احترام متقابل بین همسران و بهبود ارتباطات، شاید کمک کند که تعارضات زناشویی پیشگیری شود. علاوه بر این، پژوهش های انجام شده نشان داده است که در خانواده هایی که عدالت جنسیتی رعایت می شود، خشونت درون خانوادگی کاهش پیدامی کند.

تاثیر عدالت جنسیتی بر تعارضات زوجین قابل توجه است. زنان و مردان در زمان زندگی مشترک خود می توانند با تعارضاتی مواجه شوند که به مشکلات عاطفی بین آنها منجر می شود. با اجرای مبانی عدالت جنسیتی، نقش زنان و مردان در ارتباطات خود را بهبود می بخشد و برای حل تعارضات موثرتر از منابعی مانند مشاوره خانواده و دسترسی به منابع مالی کمک می گیرند. همچنین، ایجاد عدالت جنسیتی بین زوجین و فرهنگ آنها بهبود استقلال مالی زنان و خودبیشه گیری زنان را ترویج می دهد. پژوهش ها نشان می دهد که در خانواده هایی که عدالت جنسیتی وجود دارد، سطح نارضایتی و تعارضات کاهش می یابد. از این رو، ارتقای عدالت جنسیتی می تواند منجر به بهبود ارتباطات زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شود.

هدف عدالت جنسیتی رسیدن به تساوی در بین زنان و مردان در جوامع مختلف است. این فرآیند باعث می شود تا ارتباطات بین زنان و مردان در جامعه بهبود و تقویت شود و تعارضات کمتری در زندگی زناشویی و خانوادگی رخ دهد. یکی از اصلی ترین عوامل تأثیرگذار بر تعارضات زناشویی، عدم تساوی در جمعیت است. زنان و مردان با توجه به جنسیت و شرایط اجتماعی- فرهنگی خود، دسترسی متفاوتی به منابع و فرصت ها دارند. اگر عدالت جنسیتی توسط جامعه رعایت شود، این تفاوت ها کمتر شده و در نتیجه تعارضات کمتری در رابطه و زندگی زناشویی ایجاد می شود. همچنین، پایین بودن سطح فرهنگی و اطلاعاتی زوجین نیز یکی دیگر از عوامل مهم درباره تعارضات زناشویی است. از طرف دیگر، عدالت جنسیتی می تواند منجر به ارتقای سطح فرهنگی و آموزش و تربیت شود.

توجه دیگر اینکه عدالت جنسیتی به معنای برابری حقوق و فرصت ها برای زنان و مردان است و می تواند تأثیرات بسیار مثبتی بر زندگی زوجین داشته باشد. این در مورد کاهش تعارضات زناشویی نیز درست است، زیرا زوجین را قادر می سازد با هم تعادل بهتری داشته باشند. زنان و مردان برای داشتن رابطه موفق و سالم، نیاز به برابری حقوق و فرصت های درست دارند. اگر یکی از زوجین حقوق و فرصت های کمتری داشته باشد، این می تواند به تعارضات زناشویی منجر شود. به عنوان مثال، اگر زن هیچ حق تصمیم گیری در خانواده نداشته باشد و تنها نقش او خانه داری باشد، احتمال تعارضات با همسرش افزایش می یابد. به همین ترتیب، اگر مرد احساس کند نقش او در خانواده دست کم گرفته شده است و هیچ حقی برای تصمیم گیری ندارد، ممکن است تعارضات زناشویی بین وی و همسرش بوجود آید. با ایجاد برابری در زمینه خانواده می توان به کاهش تعارضات زوجین مدد نمود.

ایجاد عدالت جنسیتی می تواند به طور قابل توجهی تأثیر مثبتی بر تعارضات زوجین بگذارد. زیرا زوجین با هم در فرآیند تصمیم گیری ها و گوناگونی های رابطه ای که بین آنها وجود دارد، بیشتر هم احساس می کنند و از نتیجه گیری مشترک بهره مند می شوند.

عدالت جنسیتی در رابطه با تساوی حقوق و زمینه های عادلانه برای هر دو طرف در پذیرش و برخورد با وظایف خود بیانگر است. زوجین با تصمیمات ناعادلانه و سلب ترسیم مرزهای روابط متقابل به رفتارهای خصمگین در برابر همدیگر فرورود می نمایند که موجب افزایش تعارضات فردی و بین زوجین می شود.

از سویی دیگر، حضور اعتقادات منفی در مورد جنس پیشینه کلی است تا این که اغلب با رفتارها و تبعات درونی ریزی شده و بعضی از اعتقادات منفی حتی به احساسات خشم و نفرت در برابر همجنس‌گرایی می‌انجامد. با توجه به مطالب بیان شده پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد شرایطی برای حمایت از حقوق زنان در خانواده و حریم شخصی آنها می‌شود.
- ارائه فرصت برای پیشرفت شغلی و تحصیلی زنان و افزایش اشتغال آنها.
- همچنین ارتقا از آگاهی عمومی درباره عدالت جنسیتی و ترک تبعیض بر اساس جنسیت.

همچنین، باید به همسران و شرکت‌کنندگان در روابط زناشویی آموزش داد که چگونه عدالت جنسیتی را در همه جوانب زندگی اعمال کنند تا بهبود روابط زناشویی و کاهش تعارضات آنها دست یابند.

منابع

- علی زاده حاجی خواجه لو، رقیه. (۱۴۰۰). بررسی میزان سلامت خانواده و عوامل مرتبط با آن در سرپرستان خانواده شهر اصلاندوز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی.
- فتاح زاده، حسین. (۱۳۹۶). مقایسه کیفیت زندگی و عملکرد خانواده در کارکنان خشنود و ناخشنود پالایشگاه شازند اراک. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- فرخ زاده، پگاه. (۱۳۹۰). تاثیر جو خانوادگی بر تمایلات روان رنجورانه ی فرزندان، فصلنامه اندیشه رفتار، ۲ (۳)، ۳۴-۱۸.
- فریدمن، جین. (۱۳۹۱). فمینیسم؛ ترجمه فیروز مهاجر؛ تهران: انتشارات آشتیان.
- قاسمی، ابراهیم و جمالو، رقیه. (۱۳۹۸). بررسی عدالت جنسیتی و تاثیر آن بر اشتغال زنان. مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۲ (۳)، ۷۷-۹۷.
- قره‌باغی فاطمه، آگیلار- وفایی مریم. (۱۳۹۸). نقش تعارض زناشویی و ایمنی هیجانی خانواده در سلامت جسمانی و روانی- اجتماعی کودک. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۵ (۴): ۳۶۷-۳۵۹.
- کیانی، بهناز. (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده با سبک های هویت، تمایز یافتگی خود و توانایی حل تعارض در نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- کیهان، فیروزه و صابر، سوسن. (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس باورهای جنسیتی و سبک‌های تفکر زنان متأهل شهر تهران. سلامت اجتماعی مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، ۳ (۳)، ۲۱۰-۲۰۰.
- گیدنز، آنتونی. (۲۰۰۳). جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری (۱۳۹۱)، تهران: نشر نی.
- لشگریان، مهدیه. (۱۳۹۸). معناکاوی عدالت جنسیتی از نظر جامعه شناسان و حقوق دانان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی.
- محبی نورالدین وند، محمدحسین، مشتاقی، سعید، و شهبازی، مسعود. (۱۳۹۱). رابطه بین جو خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر پایه های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۲ (۳۰)، ۲۳-۱۴.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم؛ تهران: نشر پژوهش شیرازه،
- مطهری مرتضی. (۱۳۹۰). نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
مقیم، فریده؛ اسدی، جوانشیر، خواجهوند خوشلی، افسانه. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و طرحواره درمانی بر دلزدگی و تعارضات زناشویی مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره گرگان. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۹ (۲)، ۱۶-۳۴.

Chen X, Sekine M, Hamanishi S, Wang H, Gaina A, Yamagami T.(2010) Lifestyles and healthrelated quality of life in Japanes school children. *Prev Med*; 40(6): 668-678.

Cin, F. M. (2017). *Gender justice, education and equality: Creating capabilities for girls' and women's development*. Springer.

Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, 299, 682-690.

Forsberg, E., & Olsson, L. (2021). Examining gender inequality and armed conflict at the subnational level. *Journal of Global Security Studies*, 6(2), oga023.

Hendricks, P. S., Copes, H., Family, N., Williams, L. T., Luke, D., & Raz, S. (2022). Perceptions of safety, subjective effects, and beliefs about the clinical utility of lysergic acid diethylamide in healthy participants within a novel intervention paradigm: Qualitative results from a proof-of-concept study. *Journal of Psychopharmacology*, 36(3), 337-347.

Jozefik, B., & Wojciech, P. M (2010). The role of personality traits and religious beliefs in tendency to addiction. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 30: 851 – 855.